

وقت منته

سیاست

هوشنگ کوچولو در حیاط ایستاده بود و دستپایش را به سوی آسمان بلند کرده بود و بلند بلند می گفت: « خدایا، همه بچه های محل دوچرخه دارن، تو که خیلی مهربونی مارو هم صاحب دوچرخه کن»
مادرش نگاهی به او انداخت و گفت: « خب حالا چرا اینقدر داد می زنی بچه؟ خدا که کر نیست، یواش هم که بگی میشنوه»
هوشنگ کوچولو: «آخه مامان جون می خوام بابام هم بشنوه!!!»



تنظیم و کاریکاتور:
آرش عادل

BY: ARASH.ADELI
adeli153@yahoo.com

مشورت

محمود آقا با دوستش مشغول مشورت بود: «آره یعقوب جان، فلانی آمده از من پول قرض می خواد، تو صلاح می دونی که بهش قرض بدم؟»
یعقوب: آره، آره حتما بهش بده!

محمود: چرا؟

یعقوب: آخه اگه تو بهش قرض ندی میاد سراغ من!!



نقش کوتاه

جوان عشق فیلمی مشغول تست بازیگری دادن بود،
کارگردان: نقشش خیلی کوتاهه فقط همین صحنه هست ها!
جوان: عیبی نداره!
کارگردان: پول نمیدم ها!
جوان: عیبی نداره، دیالوگ چی؟
کارگردان: خودتو نشون نمیدم، تو میری پشت اون دیوار بعد یک گلدون می افته اونور و تو میگی «آخ»
جوان: بلند بگم آقای کارگردان؟
کارگردان: اونش مهم نیست چون صدات بعداً دوبله میشه!!!

نشانه گیری

قاضی رو به مردی که برای طلاق به دادگاه آمده بود کرد و گفت:
«چرا بعد از ۱۰ سال می خواهی زنت رو طلاق بدی؟»
مرد: راستش جناب قاضی این زن از همان روز اول ازدواج هر چی دم دستش بود رو پرت می کرد طرف من!
قاضی با تعجب گفت: خُب مرد حسابی اگه اینطور بود پس چرا ۱۰ سال پیش تقاضای طلاق نکردی؟
مرد: آخه جناب قاضی تازگی هاست که نشونه گیریش خوب شده!



عقل و جنون

شخصی «بهلول» را گفت: «تا چند می خواهی در جنون باشی؟ لحظه ای به خود آی و راه عقل در پیش گیر»
 «بهلول» گفت: بدان که این روزها به دنبال «عقل» رفتن هم «جنون» می خواهد!!

دلیل شهرت

روزی «انیشتین» به «چاپلین» نابغه سینمایی گفت: «آنچه باعث شهرت عظیم شما شده است این است که اغلب مردم حرف های شما را از حرکاتتان می فهمند»
 «چاپلین» هم به «انیشتین» گفت: «جالب این است که بر عکس من، آنچه باعث شهرت شما شده است این است که اغلب مردم اصلاً حرف های شما را نمی فهمند !!!»



خویشاوندی

روزی «ملا نصرالدین» خرس را به سختی می زد، رهگذری از آن جا می گذشت، ایستاد و رو کرد به ملا و پرسید که چرا می زنی زبان بسته را؟
 «ملا نصرالدین» که عصبانی بود نگاهی به مرد کرد و گفت: بیخشید، اگر می دانستم که این زبان نفهم با شما خویشاوندی دارد نمی زدمش !!



بدون شرح!

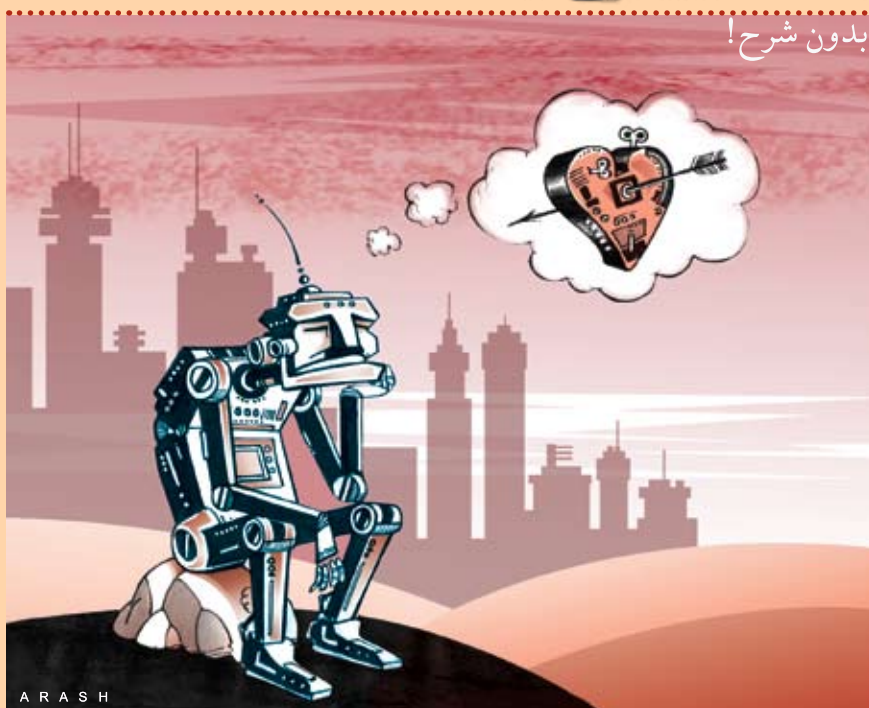
کوتله کوته...

حواس جمع

همراه مریض به دکتر: عمل چطور بود
 آقای دکتر؟
 دکتر: ...عمل؟! مگه اونو برای
 کالبد شکافی نیاورده بودند!!

منطق

معلم به محسن کوچولو: چرا پرنده ها در زمستان از شمال به جنوب پرواز می کنن؟
 محسن: خانم اجازه، آخه پیاده خیلی راهه !!



ARASH